

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

کبرا سلطانی
۱۲ مارچ ۲۰۲۰



کبرا سلطانی

«حقوق زن، حقوق بشر و ارزش های دموکراتیک»



نیکلاس کی، نماینده ملکی ناتو در افغانستان، گفت که موضوعاتی مثل حقوق بشر، حقوق زنان، آزادی رسانه ها و دیگر دستاوردهای ۱۸ سال گذشته، مسایلی است که افغانها باید درباره آن تصمیم بگیرند.

این بیشتر از ۴ دهه است که نام طالبان با نام افغانستان توسط سیاست های فاسد امریکا و ناتو گره خورده ولی ارمنان طالبان برای کارگران مجبور افغانستان شکنجه و خون و اشک، تشدید مذهبی سازی همه عرصه های زندگی، تشدید به کارگیری هر چه بیشتر خرافات در سطح جامعه و تشدید پدرسالاری و حمله به موقعیت اجتماعی زنان، محکمه صحرانی، گردن بریدن، سنگسار، قصاص مذهبی و گسترش آپارتاید جنسیتی می باشد.

نیکلاس کی فراموش کرده که این همه از ارمان دموکراسی بورژوازی است، جا ندارد تا به نیکلاس لینک اعترافات هیلری کلنن را بفریستیم تا واقعیت وجودی طالبان را دریابد. نیکلاس فراموش کرده که از صد سال پیش نهضت زنان در افغانستان به وجود آمد.

اولین مکتب زنانه سال ۱۳۰۰ خورشیدی در کابل تأسیس شد، سن بلوغ و ازدواج را ۱۸ سالگی تعیین کردند دختران را برای تحصیل به ترکیه فرستادند و به همین طور پیشرفت های دیگر را زنان افغانستان ۱۰۰ سال پیش تجربه کردند، ولی باز هم دست ارتجاع، نهال های تازه رسیده پیشرفت و ترقی را خشکاند، سرمایه داری باز هم از مهره ای سوخته مذهب برای فشردن گلوئی آزادی خواهی زنان استفاده کرد و پسر عموی بزرگتر طالبان را یعنی "حبیب الله کلکانی" را به قدرت رساند و "شاه امان الله" را فراری داد، حبیب الله کلکانی در ۹ ماه حکومت داری، همه دست آورد های آزادی خواهانه را پایمال کرد.

در مورد سلب آزادیهای افغانها و از جمله زنان فرمان صادر کرد و به مردان دستور داده شد لنگی به سر کنند، لباس محلی بپوشند و ریش شان را نتراشند. بلی این تاریخ تلخ را مردم افغانستان بار ها به خاطر منافع سرمایه داری جهانی تجربه و تکرار کرده اند و امروز از برکت دموکراسی امریکائی و ناتوئی قاچاق زنان و کودکان فقیر و بی بضاعت، افزایش قتل های ناموسی و فرار از خانه، زندانی شدن زنان با کودکان شان به جرم فرار از ستم در منازل، ازدواج دختران خرد سال، کشتن زن با نیشه، با چکش ویا تجاوز جنسی با چوب و سایر ابزارها، بینی و گوش بریدن و سوختاندن زنان هنوز به قوت خود باقی است، چند همسری به حکم شریعت رایج است، بلی هنوز طالبان در قدرت سیاسی نخزیده اند ولی تفکرات طالبی تا مغز استخوان مردان افغانستان نفوذ کرده است؛ و به قوت در جامعه رواج دارد. ملا "مجیب الرحمان انصاری" برای مجازات زنان محاکم صحرائی درست کرده و فتوا به قتل و قصاص می دهد، به فتوای تعویذ نویس، فرخنده به فجیع ترین وضع به قتل می رسد، عده ای از زنان که مشغول فعالیت های اجتماعی هستند با انواع تبعیض ها و تهدیدها مواجه هستند. کشته شدن خبرنگاران زن، کشته شدن معلمان و شاگردان مکاتب، تهدید به قتل و اختطاف زنان کارمند و مأمور، ممانعت تحصیل زنان و دختران، به آتش کشیدن مکاتب دخترانه و..... صد ها ستم دیگر همه از دست آورد های دموکراسی امریکائی و ناتوئی است.

من نمیدانم نیکلاس در مورد کدام دستاورد صحبت می کند؟ ولی زنان آزاده، مبارز و با شهامت افغانستان به این همه سناریو ها و ستم و فجایع انسانی دست رد می زنند درست همین امروز ۲۷ فیروزی ۲۰۲۰ برابر با ۷ حوت ۱۳۹۸ دو بانوی شجاع در شهر کابل بر مضحکه صلح طالبان و نماینده سرمایه داری خونخوار "خلیلزاد" برابر به پیشیزی ارزش نگذاشته و حجاب اجباری این ابزار تحقیر و ستم بر زنان را دور انداخته و زلفان زیبای شان را به باد دادند. این حرکت نمادین وخیلی زیرکانه بود، پیام این بانوان در مقابل سروری مردان شرور و دین دار شهر که با چهار چشم آنها را تعقیب می کرد، دولت ضعیف و ناتوان، شیادی خلیلزاد و سفاکی استانکزی نه بود، صحنه ای بود که هیچ مجیب الرحمان انصاری نمی تواند عصیان زن آگاه و به ستوه آمده را مهار کند. چه بسا امریه توقف خشونت سه روزه بادر ملا انصاری ها اشرف غنی ها را بی بال و پر کرده است.

به نیکلاس باید خاطرن شان کرد اعتراض شهروندان عادی افغانستان برگردن بریده ای طفلی به اسم تبسم و هم سفرانش توسط طالبان به جرم تعلق نژادی از طرف دولت وحدت ملی جرم حساب شده و شهروندان را به جرم از تخطی قانون به رگبار بسته کردند.

و خود دولت مزدور که با یک توبیت فاشیستی ترامپ از تحلیف صرف نظر کند، چطور می تواند که ارزش های به اصطلاح دموکرایتک ۱۸ ساله را پاسداری کند. صلح با طالبان چه به معنای شکست ائتلاف جهانی و یا مصلحت ارتجاعی تهدیدی است برای گسترش حقوق زنان و رشد بیشتر بنیادگرائی و تنگ شدن عرصه ها برای شنیده شدن آواز آزادی خواهی، بازگشت طالبان به معنای تک صدائی شدن جامعه افغانستان و تسلط افکار افراط گرایانه بر جامعه است.

واقعیت ها بیانگر آنست که نه اشغال افغانستان و نه صلح ارتجاعی با طالبان مال کارگران افغانستان است. سهم کارگر افغانستان ازین رخ داد ها بدترین استثمار، شنیع ترین فقر و فلاکت، جنگ و گسیختگی جامعه و انبوه مشقاتی هستند که چشم انداز آن نه در جنگ دیروز و نه در صلح امروز روشن نیست. علاوه بر تنزل معیشت و حقوق و حرمت انسانی کارگران زن و کودکان، ارزش جان آنها نیز به طرز هولناکی افت کرده است. طی این سال ها سرمایه داری، جوهر ضدانسانی خود را در اشکال ارتجاع سیاسی، جنگ و میلیتاریسم، عقبگردهای فکری و فرهنگی و اخلاقی، احیای خرافات مذهبی و قومی، کودک آزاری، زن ستیزی و زن کشی، فروپاشی زندگی مدنی و نا امنی و بی حقوقی وسیع انسان ها علناً نشان داده است.

لذا برای هر تک کارگر زیر ستم افغانستان ارزش های دموکراتیک نماینده ناتو زهر مقاتل است. بی دریغ زنان و کودکان و هر تک کارگر و فقیر افغانستان از همه بیشتر خسته از جنگ تحمیلی ۴ دهه است این کارگران تهی دست اعم از زنان و مردان نیازمند آزادی های واقعی در تمام زمینه ها اند، نه مستحق تسلیمی به چنگ و چماق اسلامی طالبان، بهبودی شرایط زندگی این محرومان در گرو مبارزات پی گیر برای حقوق شان و برای داشتن یک زندگی انسانی است برای رسیدن به این آرمان ما نیاز به یک جنبش کارگری آگاه داریم تا در پهلوی مبارزه با بدبختی های تحمیل شده با تمام ابزار های توجیه کننده و باز دارنده این بد بختی ها نیز مبارزه کنند.

چاپ نخست در نشریه اعتراض شماره سوم